

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

شانزدهم اپریل 2013

سرود محبت

دقایق تلخ و حزین بود. چشم در دیدگان سوزنده خورشید دوخته بودم تا آن دمی که آهسته آهسته از نیروی پرقوتش گیج و خسته شدم. دیگر نمیخواستم از خنجرهای داغ خورشید زخم بردارم و بیهوده به موزیک دلگیر کننده زندگانی دل بسته کنم. آرزو داشتم معجزه آسا در دل سترگ اوقیانوسی راه گشایم و در آغوش موجها رها گردم. اشکهایم روی مجمر سروده های آتشین محبت تبخیر میگشت و هوای افسرده دلم را بیشتر دلگیر مینمود. وجودم از درد غریب تنهائی لبریز بود. آه! یاد تو دوباره طوفانی شد و جنگل اندیشه هایم را در چنگ گرفت و من مدهوش از شربت امیدبخش هستی شدم. اکنون منظر بهاری دیدارت را در صفحه پندارم به نقاشی گرفته ام.

(ناهید "غزل" غنی زاده)